

رژیم ج. ا. خدمتگزار کلان سرمایه داران

وزارت بازرگانی اعلام داشت: "ما معتقدیم باید بخش خصوصی را فعال کرد... بخش خصوصی کاملاً باید در میدان باشد" (اطلاعات ۲۲/۸۴).

امامی کاشان، هم از سوی شورای نگهبان در تفسیر سخنان خمینی گفت: "فرمایش امام این است کارهایی که از بازار می آید جلوش را بگیرد" (اطلاعات ۶/۶۷). و یا طباطبایی، سرپرست بنیاد مستضعفان، چند هفته پیش از فرمان خمینی صریحاً اعلام کرد: "به هر جهت اگر من وزیر صنایع بودم، در تلویزیون دست بخش خصوصی ... را می بوسیدم تا سرمایه گذاری نماید" (اطلاعات ۸/۶۲).

آن دسته از طوطیان دست پرورده رژیم در مجلس هم که دهانشان از شکر بخش خصوصی شیرین است گفتند: "ما بقیه در صفحه ۴

در بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی ساؤمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله می خوانیم:

"رژیم از دعای سیطره جویانه کلان سرمایه داران حمایت می کند و سیاست قرار دادن بخش دولتی در خدمت بخش خصوصی را تعقیب می کند."

واقعیت آن است که بعد از فرمان خمینی مبنی بر واگذاری "کار مردم به مردم" یعنی کلان سرمایه داران دارای ۹۰۰۰ میلیون ریال نقدینه، بین اعضای دولت و دیگر کارگزاران رژیم مسابقه بی سابقه ای در باز کردن میدان برای فعالیت بخش خصوصی آغاز شد. از چپ و راست در ثنا و ستایش و اهمیت حضور بخش خصوصی در صحنه سخن رانده شد. از جمله رفسنجانی، در دیدار با مسئولین



دوره هشتم سال دوم، شماره ۶۱
پنجشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۶۴
بها ۲۰ ریال

شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام به کمیته مرکزی حزب توده ایران

نیروهای واقعا میهن پرست را در مبارزه برای دفاع از دستاوردهای انقلاب مردم ایران و بخاطر ایرانی صلحدوست، مستقل، دمکراتیک و ترقیخواه تشدید می کند.

برای شما در امر پرافتخار انقلابی تان آرزوی موفقیت های بزرگ می کنیم.

بگذار همبستگی رزمی میان دو حزب و دو خلق ما هر روز مستحکم تر شود و گسترش یابد!

هانوی - ۲۲ ژوئن ۱۹۸۵

بمناسبت ۶۵ مین سال پایه گذاری حزب کمونیست ایران، سلف حزب توده ایران، دروهای آتشین ما را بپذیرید.

طی ۶۵ سال گذشته حزب شما بدون توجه به شرایط بفرنج و دشوار فعالیت، همراه با دیگر نیروهای دمکراتیک و مترقی ایران، مبارزه ای سرسختانه و قهرمانانه را علیه امپریالیسم و رژیم شاه انجام داد و سهم بزرگی در پیروزی انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ داشت.

در زمان کنونی حزب شما همکاری با دیگر

کار توده ای بین زنان را سازمان دهیم!

یادگار شوم انتقام جویی در قبال وحشی و عقب افتاده قرنهای گذشته است "حق زندگی و حیات زنان نیز به مخاطره افتاده است. افزون بر این، مصائب ناشی از ادامه جنگ بی حاصل، بحرانهای اجتماعی و پیامدهای مخرب مشی اقتصادی رژیم در جهت احیای وابستگی به امپریالیسم، زندگی زنان میهن مارا تیره و تار ساخته است. تنها از طریق مبارزه متشکل با شرکت وسیع توده ها می توان بر عفریت ارتجاع غلبه کرد. وظیفه رفقای توده ای، کوشش در جلب زنان به مبارزه علیه بی عدالتی ها و تبعیض هائی است که به علت زن بودن بر آنان وارد می شود. موکول کردن مبارزه حول خواستهای مشخص زنان به آینده و مراحل بعدی مبارزه امریست نادرست. مبارزه مشترک زنان، هندوش مردان جهت کسب حقوق و آزادی های دمکراتیک، برقراری عدالت اجتماعی و زورگویی مالمانه طبقاتی و سلطه گری اقتصادی، نه تنها مغایرتی با مبارزه ویژه زنان در راه حقوق برابر ندارد، بلکه در ارتباط و بقیه در صفحه ۲

در بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت) از جمله چنین آمده است: "در جمهوری اسلامی مردم از هیچگونه امنیت فردی، اجتماعی و حقوقی و قضائی برخوردار نیستند. هتک حرمت و حیثیت انسانها و توهین به شخصیت آنان از جمله شیوه های رایج است."

زنان که بخش عظیمی از جامعه ما را تشکیل می دهند، بیش از همه اقدار و گروه های اجتماعی مورد ستم و آزار رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته و شخصیت شان مورد تحقیر و توهین واقع شده است. رژیم ولایت فقیه در ایجاد تبعیض و ستم جنسی به زنان تا آنجا پیش رفته است که هویت انسانی آنان را انکار می کند. حق کار، تحصیل و پرورش استعداد های علمی و هنری و روشی از زنان سلب شده و حقوق طبیعی آنها در عرصه اجتماع و خانواده نقض گردیده است. زنان رسماً و عملاً "جنس پست" و "انسان درجه دوم" تلقی می شوند.

با اجرای قانون قصاص و تعزیرات " که

امپریالیسم و ارتجاع خواستار ادامه جنگ هستند ولی مردم ایران صلح می خواهند

آتش جنگ همچنان شعله ور است و موج مرگ و ویرانی همچنان بخش هایی از خاک دو کشور را درمی نوردد. با این وجود، سردمداران رژیم بازم دیوانه وار کوس ادامه جنگ و خونریزی را به صدار می آورند.

در هفته های اخیر، رسانه های خبری ج. ا. هر چند روزیک بار، از حمله تازه ای در جبهه های جنگ، با آب و تاب بسیار، خبر می دهند. در فصل تازه جنگ، سران رژیم به اصطلاح با "تغییر تاکتیک جنگی" و آغاز " عملیات زنجیره ای شمالی و جنوبی" از پیروزی های قریب الوقوع دم می زنند. ولی، از هم اکنون، در باره این رشته حملات جدید که برای رژیم در درجه اول، نه اهمیت نظامی، بلکه بیشتر بمنظور قدرت نمایی در برابر جنبش صلح مردم ایران اهمیت تبلیغاتی دارد، بدون تردید می توان و باید گفت که چز کشتار و خرابیهای تازه هیچ چیز ببار نخواهند آورد.

شایان بیان است که از چندی پیش، کارگزاران رژیم که از یکسو، از شکست های پیاپی در جبهه ها و از سوی دیگر از اوج گیری جنبش صلح خواهانه توده های مردم هراس زده شده بودند، سخت به دست و پا افتادند تا با تدابیر و چاره اندیشی های پیشنهادی خود، به طریقی، آن هم با کسب پیروزی دست نیافتنی نظامی در جنگ، رژیم را از بن بست خروج ناپذیر فعلی نجات دهند. از جمله یکی از نمایندگان مجلس از زبان "عده ای" از همقطاران خود تأکید کرد:

"گرومی ارزیاب و تحلیل گر نظامی، از ارتش و سپاه، نتایج هر عملیات را بررسی ... و برای بعضی نواقص تکراری آن راه حلی پیدا کنند" (اطلاعات ۲/۹۶).

حال، رژیم پس از رفع "نواقص" و تشدید

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

امپریالیسم و ارتجاع خواستار ادامه جنگ هستند ولی مردم

بقیه از صفحه ۱

سرکوب جنبش ضد جنگ، با " تغییر تاکتیک جنگی " تلاش می‌ورزد، بذ این نظر رادرفکار عمومی بیافشاند که قادر است از پس اداره و ادامه جنگ برآید و در همان حال به جنبش صلح مردم ایران دهن کجی کند. اینروست که بویژه در این شرایط حکام جمهوری اسلامی صلح رادرگرو ادامه جنگ امپریالیسم برافروخته می‌بینند. خامنه‌ای، رئیس جمهور، برای ادامه جنگ می‌گوید:

" ما بارها تأکید کرده ایم تنها در صورتی در منطقه صلح برقرار می‌شود ... و دولت ایران و عراق در صلح و صفا زندگی می‌کنند که جنگ تاپیروزی رزمندگان اسلام ادامه یابد. " (اطلاعات ۲۰ تیرماه ۶۴) رضائی، فرمانده سپاه اعلام می‌کند: " برای برقراری صلح در جبهه‌های جنگ، همانگونه که بارها اعلام کرده ایم، هیچگونه پیشنهادی را نخواهیم پذیرفت. " (اطلاعات ۶۴/۲۵)

در این رهگذر، طبیعی است رژیم برای پیشبرد نقشه‌های توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خود، نه تنها " پرچم صلح " شرافتمندانه مردم را به " کلوله " می‌بندند، بلکه به دگرگون جلوه دادن واقعیات مربوط به ماهیت روند ادامه جنگ و موضع‌گیری و عملکرد امپریالیسم یعنی برافروزنده و برنده اصلی جنگ، به توجیه ادامه آن می‌پردازد. خمینی " کسانی " را که صلح می‌خواهند " طرفدارهای امریکا معرفی می‌کند " و خامنه‌ای، رئیس جمهور می‌گوید:

" بعضی‌ها... ساده لوحانه... قبول کردند که امریکا مایل است این جنگ ادامه پیدا کند تا دو طرف ضعیف بشوند. این تفسیر، تفسیر غیر واقعی و غلطی است. امریکا این را نمی‌خواهد. " (اطلاعات ۶۴/۱/۲۴)

هرچند سران ج.ا. با بیان چنین سخنانی آب تظهير بر سر امپریالیسم جنگ افروز می‌ریزند، ولی هرگز در پوشاندن چهره واقعی بریاکنندگان، برندگان و ادامه دهندگان جنگ توفیق نخواهند یافت. زیرا، توده‌های مردم سیمای جنگ افروزان را می‌شناسند و با تمام وجود بیامدهای فاجعه بار ادامه جنگ را بر زندگی اقتصادی و اجتماعی کشور احساس می‌کنند و تأثیرات شوم آنرا بر روند رویدادهای منطقه و جهان در سالهای اخیر در نظر دارند. برخلاف خمینی و خامنه‌ای و دیگر رهبران ج.ا. که " ادامه جنگ " را " برکت " و در راستای ضعیف شدن دو کشور و به سود امپریالیسم نمی‌دانند، رویدادهایی که بعد از آغاز جنگ در منطقه و در کشور ما به وقوع پیوسته و نیز موضع‌گیری‌های منابع امپریالیستی، گویای بسیاری حقایق است. مثلاً یک ماه از شروع جنگ سپری نشده بود که روزنامه " واشنگتن پست " یکی از ارگانهای انحصارات امپریالیستی نوشت که " سود اصلی جنگ ایران و عراق نصیب ایالات

کار توده‌ای بین زنان را سازمان دهیم!

بقیه از صفحه ۱

پیوند تنگاتنگ با آن است، از آن نیرو می‌گیرد و متقابلاً آنرا نیرومند می‌سازد. هیچ شکل توده‌ای دیگر نمی‌تواند مبارزه علیه ستم جنسی را مضمون مرکزی و هدف اصلی خود قرار دهد. امر سازماندهی توده‌ای زنان به دلیل وسعت حوزه عمل آن که نیمی از جمعیت جامعه رادر بر میگیرد و عمق شدت بی‌سابقه و غیرعادی ستم و فشار به زنان در رژیم ارتجاعی فقها، از اهمیت خاصی برخوردار است. قانون اساسی کار توده‌ای بین زنان توسط رفقای ما به ویژه رفقای زن، تلفیق ظریف و ماهرانه کار علنی و اصول مخفی کاری است.

نقش توده‌ای‌ها به عنوان عناصر آگاه و پیشرو، سازماندهی مبارزه زحمتکشان، تجهیز آنان و اشای ارتجاع داخلی و امپریالیسم است. بدون شرکت فعال در مبارزات روزمره مردم و برقراری ارتباط با آنان نمی‌توان این نقش را ایفا کرد. رفقا می‌بایست تماس خود را با زنان طبقات و اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی وسعت بخشند و آنان را تحت پوشش‌های کاملاً طبیعی و قابل توجیه گردآورند. عمل شکل و گردهم‌آیی زنان در بهترین حالت، اقدام در جهت کسب حقوق زنان است. اما این تنها شیوه کار نیست. زنان را می‌توان حول آماجهای کاملاً مشخصی در ارتباط با زندگی روزمره و مسائل آن سازماندهی کرد. مبارزه در هر عرصه‌ای هنگامی به نتایج عملی می‌انجامد که دارای برنامه مشخصی باشد. زندگی بهترین الهام بخش مبارزان است و مناسب‌ترین زمینه عمل را در دسترس عناصر آگاه می‌گذارد.

تجربه غنی کار توده‌ای بین زنان در طول چهارسال پس از انقلاب، دستمایه رفقای توده‌ای در اجرای رهنمودهای حزبی است.

اطلاعیه دبیرخانه کمیته

مرکزی حزب توده ایران

طبق تصمیم هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران که مشروح آن به استحضار کلیه سازمانهای حزبی رسیده، رفقا خسروامیر خسروی (بابک)، فریدون آذرنور و فرهاد فرجاد آزاد بعلت عمل غیر تشکیلاتی و تخلف صریح از وظائف سازمانی اعضای حزب توده ایران، مصرح در بندهای الف، ب، ج و د ماده ۴ و تیصره بند الف از ماده ۵ اساسنامه حزب، از تاریخ ۲۵ خرداد ۱۳۶۴ از عضویت اصلی و مشاور کمیته مرکزی تا تصمیم نهایی پلنوم کمیته مرکزی معلق اعلام شده‌اند.

متحده و مجموعاً غرب " می‌شود، زیرا به گفته کریستون، سناتور آمریکایی " این جنگ، ایران و عراق را ضعیف و ناتوان می‌کند و به تفرقه و پراکندگی در بین کشورهای مسلمان یاری می‌رساند. " حقیقت نهفته در بطن این نظر محافل امپریالیستی همچنان به قوت خود باقی است.

از آغاز جنگ ایران و عراق تاکنون، روند تحکیم مواضع نظامی و اقتصادی امپریالیسم در منطقه و تشدید تشنجات و مسابقه تسلیحاتی به زیان خلق‌ها و کشورهای منطقه ادامه یافته است. امپریالیسم آمریکا به دستاویز تهدید " منافع حیاتی " خود ۶۰ رزمناد خود را در نزدیکی آبهای خلیج فارس متمرکز ساخت که در حال حاضر سرگرم گشت زنی در اقیانوس هند هستند. امپریالیسم آمریکا، با تشکیل نیروهای واکنش سریع، به بازسازی و توسعه پایگاه‌های خود در منطقه پرداخت. خاک کشورهای ترکیه، پاکستان، عمان، عربستان به گونه‌ای فزاینده به جولانگاه نیروهای مداخله‌گر امپریالیستی و سرپل تجاوز علیه خلق‌های منطقه تبدیل شد. همچنین باید خاطر نشان ساخت که اسرائیل، متحد استراتژیک آمریکا در خاورمیانه و نزدیک تنها در شرایط ادامه جنگ ایران و عراق بود و هست که می‌تواند سیاست توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خود را در ابعاد گسترده علیه کشورهای عربی ادامه دهد و ارا به جنگی خود را برای ریختن خون خلق‌های فلسطین، لبنان و سوریه به حرکت درآورد.

از سوی دیگر، جنگ ایران و عراق، از آنجائیکه در جهت ناتوان ساختن هر دو کشور است، امپریالیسم، به هر دو طرف درگیر از راه‌های مستقیم و غیر مستقیم کمک‌های تسلیحاتی " ضرور " را می‌رساند تا آتش جنگ خاموش نشود، زیرا ناتوانی دو کشور ایران و عراق شرایط مساعدی را برای امپریالیسم فراهم می‌سازد تا سیاست خود را به کشور دیکته کنند و وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی آنها را شدت بخشد. ادامه جنگ ایران و عراق سنجین بسود رژیم واپسگرای " ولایت فقیه " است تا به بهانه آن، در جهت تحکیم مواضع کلان سرمایه‌داران و بزرگ زمینداران کام بردارد و خواستهای آزادیخواهانه و حق طلبانه مردم را سرکوب سازد.

اینروست که امپریالیسم و ارتجاع خواهان ادامه جنگ هستند، ولی مردم رنج دیده ایران با تحمل تلفات جانی و خسارات مادی عظیم، دیگر نمی‌خواهند لهیب آتش این جنگ افروزان بماند. کارگران و زحمتکشان میهن ما با شرکت در تظاهرات ضد جنگ نشان دادند، صلح و آرامش می‌خواهند و از جنگ بیزار هستند. به این جنگ امپریالیسم بر افروخته باید پایان داده شود.

سرتگون باد رژیم جهل، جنایت و جنگ!

فقر جانکاه، ارمغان جمهوری اسلامی

برای زحمتکشسان میهن ما

علت وضع اسف انگیز زندگی توده های زحمتکش در مامیت ارتجاعی رژیم نهفته است که شالوده سیاست آن بر تامین منافع آزمندانه بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران استوار است. گرانی سرسام آور، تورم افسار گسیخته، غارت و چپاول سرمایه داران داخلی و انحصارات خارجی که جملگی معلول سیاست خیانت بار سران مرتجع ج.ا. است موجب فقر شدید و انواع مصائب دردناک اجتماعی برای مردم ستمدیده میهن ما شده است.

دست اندرکاران رژیم به این واقعیت انکار ناپذیر اعتراف دارند. موسوی اردبیلی می گوید: "تکلیف تعیین نشده، نه برای دهقانان، نه برای کارگر، نه برای پیشه ور جزء. ما نتوانستیم آن قولی که داده بودیم انجام دهیم". اعترافی است صریح و روشن، تنها باید بمنظور بیان دقیق و کامل واقعیت بجای "مانتوانستیم"، "ما نتوانستیم" گذاشت. نماینده میاندوآب ماهیت ضد مردمی رژیم را اینگونه عریان می سازد: "متأسفانه تابحال کامهای موثر و سازنده ای در جهت تخفیف مشکلات مادی طبقه محروم و زحمتکش و حقوق بگیر برداشته نشده است و به شکلهای مختلف آنها مورد بی مهری و کم لطفی قرار گرفته اند".

واقعیات یادشده موید آن است که شرایط زندگی توده های میلیونی زحمتکش میهن ما، در نتیجه سیاست ارتجاعی رژیم سخت طاقت فرسا شده است. اما باید این واقعیت را نیز همواره در نظر داشت که زحمتکشان ایران به معدودی چپاولگر داخلی و خارجی اجازه غارت حاصل دسترنجشان را نخواهد داد. آنها برای درهم شکستن بنیان نظامی بپا خاستند و انقلاب ۲۲ بهمن را آفریدند که در آن مشت ثروتمند و زر اندوز حاصل کار کارگران و دهقانان زحمتکش و ثروت ملی میهن ما را به یغما می بردند. امروزه، زعمای ج.ا. می کوشند همان نظام رادر پوشش شرعی بر توده های زحمتکش کشور تحمیل کنند. سران رژیم غافل از آنند که آزموده را دوباره آزمون خطاست.

فقر جانکاه، ارمغان جمهوری اسلامی برای زحمتکشسان میهن ما است.

زحمتکشسان میهن ما بر اثر سیاست ارتجاعی رژیم، با فقر جانکاه و کلیه عواقب دردناک ناشی از آن دست به گریبانند. مطابق آمار رسمی ۲۲ درصد از کارگران از درآمد کمتر از حداقل هزینه زندگی برخوردارند و درآمد ماهانه ۷۲ درصد از روستائیان زیر ۲ هزار تومان است. بخش قابل ملاحظه ای از این درآمد اندک به

چون صدای پتک آهنگر

جلال سر فراز

قلب دیگر
قلب دیگر
قلب دیگر

تیک و تاک
تیک
تاک

قلبهای دیگری هستند و
تیک و تاک ریتم زندگی را مینواریند و
صداها ئی ست ،

تیک و تاک
تیک
تاک

جز صدای قلب من دیگر صدائی نیست
در تنهائی بستر

تیک و تاک
تیک
تاک

آری این صدای پای توفان است
موجی نیست بی هنگام
می خیزد که بنشانند غبار درد و نشینند به یک باران

تیک و تاک
تیک
تاک

قلبهای دیگری هستند و
دریا مویه ای در میان سنگ
این بیداری دلتنک ،

من صدای قلب خود را

می شناسم چون صدای پتک آهنگر

آنک مور مور رعشه ای بر پشت زندانبان همچون
مانده در تنهائی اش پنهان
لاک پستی

تیک و تاک
تیک
تاک

جز صدای قلب من دیگر صدائی نیست ؟
یا سکوت است و غریب و زوزش در تنگنائی ؟
نه صدای دیگری هم هست

زندگی جاری ست آری گوش کن
این زنگ بیداریست
خشم یا لبخند ، باید رفت
پای تا سر زخم - اما عشق -
با یاران همپیوند باید رفت

تیک و تاک تیک تیک تیک تیک فریاد است
مثل هر فریاد دیگر
چون صدای پتک آهنگر که می گوید
و می گوید دمام بر سر سندان سخت و گرم می گوید :
نرم خواهد گشت این سندان به زیر پتک بی ممرگان

تیک و تاک
تیک
تاک

کیست می آید
ومی گوید به پشت در ؟
کیستی ؟

- پیغام آوردم من از یک قلب
آن هم تک تکی دارد چنان قلب تو
همچون پتک آهنگر

قلب من می گوید و بیدار و بی پروا به راز پتک آهنگر
که خواهد کوفت بر بنیاد سنگستان
می اندیشد

۴ مهر ۶۲

چهار سال است که حقوق ها بالا نرفته است. بی آمد ناگزیر این وضع تنگدستی و محرومیت فزاینده توده های زحمتکش جامعه است. در این میان باید به خیل بزرگ بیکاران اشاره کرد که از وضع زندگی رقت بارتری برخوردارند. سردمداران رژیم به واقعیت یاد شده معرف هستند. شجاعتی نماینده ماژندران می گوید: "من از استانی آمده ام که به فلظ به استان مرفه معروف است. در حالیکه نقاطی وجود دارد که من شرم می کنم در حضور مردم آنجا حاضر بشوم. بقیه در صفحه ۶

طرق مختلف، دگر باره به کیسه صاحبان زر و ثروت مورد عنایت ج.ا. سرازیر می شود. به گفته وزیر کار "سی درصد درآمد ۴۲ در صد از کارگران" به انبان غارت سرمایه داران موجر می رود. بیشتر این سهم از غارت ثمره کار زحمتکشان از طریق گرانی و تورم لجام گسیخته، نصیب تجار می شود. به گفته دست اندر کاران رژیم "قیمت مواد خوراکی از اول انقلاب تا کنون بیش از ۲ برابر شده است" و این در حالی است که به نوشته روزنامه ج.ا. "سه

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

رژیم ج. ا. خدمتگزار کلان سرمایه داران

بقیه از صفحه ۱ طبق تجربه به این (نتیجه) رسیدیم که باید دست بخش خصوصی را باز گذاریم و سرمایه‌های سرگردان را جذب کنیم "یا" اکنون ۶ سال است که سرمایه‌های مردم سرگردان مانده و مردم نمی‌دانند چه کنند" (اطلاعات ۶۳/۱۰/۲۵).

در واگذاری اهرم‌های عمده اقتصادی، خواه در تولید یا توزیع، خواه در صنعت یا در کشاورزی، در حرف و در عمل تا آنجا مواضع غارتگرانه کلان سرمایه‌داران تحکیم و تقویت گردید که آقای مرتضی رضوی، نماینده مجلس با مشاهده وضع حاکم بر جامعه به زبان آمد و گفت:

"وجود حالتی در جو فکری ما به جایی رسیده است که فکر می‌کنیم هرچه آمریکایی ترفیقه تر. یعنی هرچه بیشتر طرفدار بخش خصوصی باشد، فقیه تر است" (اطلاعات ۶۳/۱۰/۱۹) وی همچنین گفت که "بخش خصوصی ما هیچ کاری نمی‌کند...

ما هم یک برنامه عجیبی داریم. هر کدام میکروفن به دستمان می‌افتد، تبلیغ می‌کنیم که دولت باید مردم را راضی کند، به مردم خدمت کند" (اطلاعات ۶۳/۱۲/۱) در این زمینه علی اکبر روحانی فر نماینده دهلران می‌گوید: "بنده

طرفدار این هستم که ثروت در دست مردم باشد. ولی مردم چه کسانی هستند، کدام مردم؟ واقعا آدم تعجب می‌کند که گاهی گفته می‌شود که حتی شیلات را به بخش خصوصی بدهید و یا شرکت واحد و یاراه آهن را به بخش خصوصی بدهید و

دولت نمی‌تواند! همین تفکر، وقتی مالیات پیش می‌آید، می‌گوید فقط خمس و زکوة، اینکه نه شرقی نه غربی نشد. نه شرقی و نه غربی، بلکه آن طرف غرب است. اقلا غربی‌ها مالیات که می‌گیرند" (اطلاعات ۶۳/۱۱/۱۰). یا حتی بهزاد نبوی

که خود از پیشتازان اجرای فرمان خمینی است و در راه واگذاری صنایع سنگین به کلان سرمایه‌داران و همچنین حفظ و تشدید وابستگی صنایع به امپریالیست‌ها از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد، چنین گفت: "یک تفکر وجود دارد که... در

بعد مسائل اقتصادی شاید بدتر از اقتصاد آمریکا معتقد باشد. معتقد است که حتی چاهای نفت را باید به دست بخش خصوصی داد" (اطلاعات ۶۳/۱۰/۹).

در چنین اوضاع و احوال سیاسی و فرمانروایی چنین "تفکر" و "جو فکری"، بعد از صدور فرمان خمینی در زمینه سپردن کارها به کلان سرمایه‌داران بود که خاموشی، رییس "اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران" (یعنی اتحادیه کلان سرمایه‌داران) "سیاستگذاری رژیم را بسیار عالی" توصیف کرد و با آب و تاب تمام از رهبران ج. ا. به سیاستگذاری پرداخت. خاموشی، همچنین فرصت را مغتنم شمرده، بیدرنگ

خواستار "بها دادن به تجربه در مدیریت (کلان سرمایه‌داران)، از بین بردن دوگانگی بین بخش خصوصی و دولتی و ایجاد سیستم صحیح توزیع به نحوی که اصل رقابت سالم در بازار حاکم بشود..." گردید.

در اینجاست که خاموشی از زبان کلان سرمایه‌داران تقاضای شرکت مستقیم غارتگران اجتماعی در همه تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاسی را اعلام می‌دارد و خواستار تشدید روند رقابت بی بند و بار در بازار سرمایه‌داری وابسته موجود می‌شود.

در پیوند با سخنان خاموشی و بر پایه یک برنامه ریزی همه جانبه در همان روزها، "نشریه اقتصاد اسلامی" ارکان سخنگوی بورژوازی تجاری، طرحی را برای سپردن توزیع کالا و قیمت گذاری به بخش خصوصی ارائه داد. "طرحی که اکنون سطر سطر آن، مو به مو، مینا و کارپایه عملکرد وزارت بازرگانی قرار گرفته است.

آنگاه، به پیروی از فتوای خمینی و بنا بر خواسته‌ها و منویات کلان سرمایه‌داران، همه وزیران، مسئولان و کارگزاران بلند پایه رژیم ج. ا. یکی بعد از دیگری در راه واگذاری کارها به بخش خصوصی و رقصیدن به هر سازی که می‌زند، اعلام برنامه کرده و همچنان می‌کنند. به پاره‌ای

از گفته‌های آنها توجه نمائید: وزیر صنایع سنگین در گردهمایی مدیران و مسئولان بخش خصوصی به آنها اطمینان داد:

"این تصور که وزارت صنایع سنگین مخالف رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است، درست نیست". او حتی تاکید کرد که "ما به هیچ وجه با سرمایه‌گذاری بزرگ در صنایع سنگین مخالفت ننموده و از آنها استقبال هم می‌کنیم" (کیهان ۶۳/۱۰/۴).

رسول اف، معاونت زراعت و وزارت کشاورزی اعلام داشت:

"سیاست دیگر ما جذب مردم و بخش خصوصی برای تولید در این بخش است بطوریکه بتوانیم نقش دولت را به آنچه که باید باشد، یعنی نظارت و برنامه ریزی و تشویق محدود کنیم" (اطلاعات ۶۳/۱۰/۵).

دکتر زالی، وزیر کشاورزی به اطلاع بخش خصوصی رساند که:

"وزارت کشاورزی این آمادگی را دارد که اجازه فعالیت بخش خصوصی در زمینه‌های مربوط به صید بدهد" (اطلاعات ۶۳/۱۱/۱۰).

وزارت معادن و فلزات نیز در سومین جلسه سمینار بانکداری اسلامی "آمادگی خود را برای همکاری با ... بخش خصوصی اعلام کرد". (اطلاعات ۶۳/۱۲/۷).

نیلی وزیر معادن و صنایع گفت: "برنامه‌هایی در دست اقدام است تا با همکاری و مشارکت

مردم و بخش خصوصی ۴۰۰ معدن را که راه اندازی شود" (اطلاعات ۶۳/۱۱/۱۶).

وزارت مسکن هم تا آنجا در واگذاری کار به کلان سرمایه‌داران "بساز و بفروش" پیش رفت که صدای وزیرکار کارگر ستیز را هم در آورد: "نظر وزارت مسکن اینست که بخش خصوصی را تقویت کند" (کیهان ۶۳/۱۲/۱۱).

وزیر بازرگانی هم گفت: "در همین فرمایش اخیر حضرت امام راجع به مشارکت مردم ایشان به صراحت فرمودند که اگر مردم (کلان سرمایه‌داران) رادر کارها شریک نکنید موفق نخواهید شد" (جمهوری اسلامی ۶۳/۸/۸). و امین راد، یکی از مدیرعاملان وزارت بازرگانی، جوهره سیاست وزارت بازرگانی را اینگونه بیان داشت: "کسانی که دست اندرکارند و تصمیم گیرنده، همه به اتفاق به این نقطه نظر رسیده‌اند که بخش خصوصی باید در کار تجارت فعالیت داشته باشد" (اطلاعات ۶۳/۱۱/۲۸).

در شرایطی شخص "ولایت فقیه"، رژیم ج. ا. و وزارتخانه‌ها تسهیلات تازه‌ای برای کلان سرمایه‌داران فراهم می‌سازند که میدان فعالیت یغماگرانه بخش خصوصی بسیار فراخ است. در حالی که به گفته نخست وزیر تعاونی‌ها در طول ۵ سال تنها یک درصد واردات را در اختیار داشته‌اند (کیهان ۶۳/۲/۱۰) سهم بخش خصوصی در واردات ۲۰ درصد است (اطلاعات ۶۳/۱۱/۲۰).

اعتبارات بانکی دریافتی بخش خصوصی تنها در سال ۶۱ برابر با ۲۴۸۷ میلیارد ریال بوده است که نسبت به سال ۵۷ میزان ۵۷/۶ درصد رشد را نشان می‌دهد (اطلاعات ۶۳/۱۱/۱۲). "در سال ۶۲ بخش خصوصی ۲۸۰ میلیارد تومان در آمدخالص داشته است" (اطلاعات ۶۳/۹/۲۸). نبوی گفت: "ارزش تولیدات ۱۲۰ واحد بزرگ بخش خصوصی تحت پوشش وزارت صنایع سنگین با قیمت ثابت در

سال ۶۵ معادل ۴۰/۶ میلیارد ریال بوده که ... در سال ۶۲ به ۶۲/۸ میلیارد ریال افزایش یافته است" (کیهان ۶۳/۱۱/۱۰). وزیر کشاورزی هم اعلام داشت: "در حال حاضر هم از حدود ۵۰۰۰

شاور موجود در جنوب فقط ۱۵۰ دستگاه به وزارت کشاورزی و شیلات مربوط است" (اطلاعات ۶۳/۱۱/۱۰). سخن کوتاه به گفته رفسنجانی "در سال ۶۲ وزارت بازرگانی مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار ارز به بخش خصوصی داده و صاحبان کارت بازرگانی از امکاناتی مانند مسافرت به خارج از کشور جهت تجارت بدون نوبت

برخوردارند" (اطلاعات ۶۳/۷/۲۱). همچنین وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه اعلام کرد که: (تنها در سال ۶۲) دولت نزدیک به ۲/۵ میلیارد دلار ارز کشور را در اختیار بخش خصوصی در جهت واردات قرار داده است". (اطلاعات ۶۳/۷/۱۵).

درباره مبلغ ۴ میلیارد و یکصد میلیون دلاری بقیه در صفحه ۶

جنگ عامل تشدیدکننده بحران اقتصادی، وابستگی، استثمار کارگران و دهقانان، بیکاری روزافزون، گرانی، آوازی و بی‌خانمانی است!

به مامی نویسند

گزارش هایی از بمبارانهای اخیر تهران و شهرستانها

درباره بمبارانهای اخیر تهران در نیمه اول خردادماه نامه ها و گزارشهای مختلفی به "نامه مردم" رسیده است که به شرح زیر خلاصه می شود: - یکشنبه ۵ خرداد، در ساعت ۲ و ۲/۵ بامداد دو راکت در خیابان اندیشه (بین سه رودی و جاده قدیم شمیران) و خیابان معلم، فرود آمد. تعداد تلفات حدوداً ۴۵ نفر بود و ۲ ساختمان مسکونی بطور کلی ویران شدند. یک راکت نیز به مدرسه ای اصابت کرد که خوشبختانه عمل نکرد. - دوشنبه ششم خرداد، در ساعت ۲ بامداد خیابان نیستان هفتم واقع در خیابان پاسداران و شهرک سعادت آباد واقع در نزدیکی پارک وی بمباران شدند. از تعداد تلفات و خسارات وارده به مردم اطلاع دقیقی در دست نیست. همچنین در ساعت ۱۰/۵ شب یک حمله هوایی انجام شد.

- سه شنبه هفتم خرداد، در ساعت ۷/۵ شب حمله هوایی شد که تا نیم ساعت ادامه داشت. یکی از مناطق مسکونی مورد اصابت راکت خیابان ۱۴ متری لشکر واقع در مجیدیه بود که تلفات سنگینی داشت. در این محله تعداد زیادی از زحمتکشان از جمله زحمتکشان ارامنه سکونت دارند.

- چهارشنبه هشتم خرداد، محله مهر شهر کرج بمباران شد و در اثر انفجار بمب به قسمت چای بیخانه کاخ سابق اشرف پهلوی و بخشی از مهر شهر خسارات سنگینی وارد شد. گفته می شود که در کاخ یادشده عده ای از بستگان خامنه ای سکونت دارند.

- جمعه دهم خرداد، ساعت ۲ بعد از ظهر خیابان پیغمبر از شهرک جنت آباد واقع در شهر زیبا مورد اصابت ۴ راکت قرار گرفت. یکی از این چهار راکت عمل نکرد. در ساعت ۱۱ شب همان روز شهرک کارگرنشین و نوساؤ پایین شهرک چشمه که در نزدیکی مجموعه ورزشی آزادی قرار دارد مورد اصابت راکت قرار گرفت.

تعداد کشته شدگان حداقل ۲۵ نفر بود، ۶ منزل مسکونی تخریب شدند و تعدادی آسیب دیدند. - یکشنبه ۱۲ خرداد، در ساعت ۱۱ شب چهار راکت پرتاب شد که دوتای آنها به خیابانهای ۲۱ و ۲۰ منطقه کیشا اصابت کرد. تعداد تلفات بیشتر از صد نفر تخمین زده می شود و چهار ساختمان بطور کامل خراب شده است. گفته می شود، در یکی از این ساختمانها حدود ۲۵ کودک که در یک جشن تولد شرکت داشتند کشته شده اند. پس از حمله، سیل مردم از چهار گوشه تهران به سوی کیشا سرازیر شدند و بطور موضعی علیه جنگ تظاهرات کردند. رژیم که از ازدحام مردم بشدت دچار هراس شده بود بلافاصله نیروهای خود را به کوی کیشا اعزام کرد. ماموران مسلح با بی سیم در فواصل نزدیک به هم موضع گرفتند. حدود ۵۰ واحد "گشت ثارالله" در محل حاضر شدند و

عده ای از نیروهای اطلاعاتی با لباس شخصی در میان مردم ریختند که اشخاص "مظلون" را دستگیر می کردند و با مینی بوس به محل نامعلومی می بردند. در این میان سر و کله هادی غفاری و دارودسته او نیز پیداشد. بخش مهمی از مردم با تلاش بسیار می کوشیدند تا کشته شدگان را از زیر آوار بیرون بکشند و زخمی ها را به بیمارستان برسانند. این حمله پرتلفات ترین و سنگین ترین حمله به مناطق مسکونی تهران بود.

- دوشنبه ۱۲ خرداد، حدود ۶ راکت پرتاب شد که به خیابانهای ۱۴ و ۱۹ در امیرآباد شمالی، یوسف آباد، خیابان دوم ژوئن و میدان گلها و شهرک دولت آباد واقع در جنوب تهران اصابت کردند. در خیابان ۱۹ امیرآباد راکت به یک ساختمان مسکونی اصابت کرد و تعداد تلفات بالغ بر ۴۵ نفر بود. در خیابان ۱۴ امیرآباد محل مورد اصابت راکت محوطه استادیوم دانشگاه تهران بود که تلفات جانی در برنداشت. در میدان گلها، راکت به سطح خیابان اصابت کرد و موجب قطع لوله آب و گاز و برق و تلفن شد. در خیابان دوم ژوئن یک ساختمان ۴ طبقه بطور کامل منهدم شد و تعداد تلفات ۲۴ نفر بود. از آمار دقیق تلفات در شهرک دولت آباد اطلاعی در دست نیست.

- پس از شروع بمبارانها، هر روز بخش مهمی از مردم به حومه تهران، بخشهای کوهستانی شمیرانات، کرج، جاده چالوس، جاده رشت، جاده هراز، جاده مسکرباد و دیگر مناطق شهرها و شهرک های اطراف پناه می بردند، بطوریکه شهر کاملاً خلوت می شد. می توان گفت، تنها زحمتکشانی که دستشان از هر وسیله ای کوتاه بود در شهر باقی می ماندند.

روز سه شنبه هفتم خرداد ماه در اتوبان تهران - کرج و جاده آبعلی راهبندان های طولانی بوجود آمد. عده زیادی از مردم شب را در اتومبیل به سر آوردند. گروه زیادی در کنار جاده ها اطراق کردند.

روز سه شنبه ۱۴ خرداد بدنبال بمبارانهای سنگین و مکرر، خروج از تهران از ساعات اولیه بعد از ظهر آغاز شد. بویژه در خیابانهای منتهی به خارج از شهر ترافیک سنگین شد. از ساعت ۶ بعد از ظهر به بعد اتوبان کرج تقریباً بسته شد. مردم از دادن عوارض ورودی اتوبان خودداری می کردند. راه بندان تا نزدیکی پل ستارخان رسیده بود. صدای بوقهای متد و بی دربی و جمعیت بسیاری که به وسیله اتومبیل شهر را ترک می کردند خود بخود به حالت اعتراض علیه رژیم تبدیل شده بود. مردم از داخل اتومبیلها با گفتن جملات کوتاه ولی پر معنای سیاسی بویژه مخالفت خود را با جنگ اعلام می کردند.

روز چهارشنبه ۱۵ خرداد، در تهران اتومبیلهای زیادی باقی نمانده بود. شهر خلوت بود و مراسم ۱۵ خرداد در شرایط افتضاح آمیزی برگزار شد. بطوری که حتی عناصر ثابت تظاهرات دولتی نیز در آن حضور نداشتند.

- در جریان اصابت دوباره راکت به سبزه میدان ایزه شهر، حدود ۲۰ نفر افغانی کشته شدند. - در بمباران محله شاه زید اصفهان که یکی از

محله های فقیرنشین این شهر است، خشم شدید مردم برانگیخته شد. آنها یکپارچه رژیم را مقصر می دانستند. بخش اعظم مردم مستقیماً علیه ادامه جنگ سخن می گفتند و بخش دیگر اعتراض می کردند که چرا رژیم نمی تواند جلوی حملات را بگیرد؟ چرا عراق به این راحتی می تواند شهرهای ما را بمباران کند؟ عوامل رژیم تلاش بسیاری کردند که شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" را به میان مردم ببرند، اما موفق نشدند.

رشوه گیری و اختلاس در وزارت نفت

رئیس دفتر آقای خیرخواه از مدیران شرکت ملی نفت ایران که با ۹۵ هزار دلار پول برای خرید قایق به خارج مسافرت کرده بود با بالا کشیدن پول متواری شد.

بدلیل عدم ثبات سیاسی و اقتصادی رژیم ولایت فقیه، امروز تقدیر از این نوع بالا کشیدن ها شایع شده که مقامات رژیم به شوخی به هم می گویند "چونکه دستت میرسد بزن بپر".

دزدی در شرکت ملی نفت ایران

گفته میشود که در جریان کنفرانس وزیران نفت اوپک بین آقای غرضی وزیر نفت و معاون ایشان بگو مگوئی بر سر ۲ میلیون دلار رشوه ای که آقای معاون از کمپانی های نفتی گرفته در میگیرد. گویا آقای غرضی سهم خود را می طلبد و آقای معاون هم امتناع می کند و می گوید: "نمی شود که هم اش نورچشمی ها بخورند". بدنبال این بگو مگو وزیر و معاون دست به یقه می شوند.

بدنبال اختلاس ها و رشوه گیری های کلان در وزارت نفت و سایر نهادهای حکومتی، طرحی برای جاسوسی وزارتخانه ها و شرکت های وابسته، در مجلس مطرح می شود که موسوی نخست وزیر سراسیمه از مجلس نشینان می خواهد که کاری نکنند که از وزراء و مسئولین سلب اطمینان شود. (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجلس!)

سوءاستفاده در شرکت نفتکش ایران

عدم امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و استیصال رژیم ولایت فقیه برای فروش هرچه بیشتر نفت بمنظور تأمین مخارج جنگی زمینه مناسبی برای چپاول شرکت های چندملیتی بیمه و کشتیرانی فراهم آورده است. شرکت های نفت کش با پرداخت دلالی و رشوه های کلان به مسئولین شرکت ملی نفت کش ایران، تانکرهای بزرگ از رده خارج شده و یا در حال خارج شدن را با تعمیرات جزئی و حتی با خدمه هایی که صلاحیت دریانوردی ندارند برای حمل نفت به جزیره خارک و سیری روانه می کنند. شرکت های بیمه در ارتباط با صاحبان تانکرها با تحمیل قراردادهای یکطرفه و نرخ های کلان بیمه که در حقیقت معادل بهای تانکرها می باشد به غارت شرکت نفت کش ایران مشغول هستند. صاحبان بقیه در صفحه ۷

مسئله، مسئله، مسئله "اسلام فقهاتی" است و حکم، حکم، حکم "شرع"

رژیم ج. ا. خدمتگزار کلاان سرمایه داران

بقیه از صفحه ۴
که از سوی رژیم به صاحبان کارتهای بازرگانی بخش خصوصی در سال ۶۱ و ۶۲ واگذار می شود، رضوی، نماینده مجلس چنین گفت:

"دلاری که ۶۵ تومان ارزش حقیقی در داخل کشور دارد که آنرا به ۹ تومان به پولدارها می دهیم که تجارت خارجی بکنند باز هم رضی نیستند و همان تجسرت را هم نمی کنند، بلکه اکثر ارز را در خیابان می فروشند. آیا پرداختن پول فقرا و بیت المال مسلمین به تجار به یک شتم ارزش واقعیست؟ بدعت نیست؟ بدعت نیست؟ خلاف شرع نیست؟ چرا فریاد رهنمون گر سرور گرامی در این مورد بلند نمی شود؟ (اطلاعات ۹۳/۷۲۹)

در پاسخ به آقای رضوی و رضوی ها باید گفت اتفاقاً "فریاد رهنمون گر سرور گرامی" مدتها است گوش فلک را کر کرده است، تنها شما باید پنبه را از گوشهای مبارک در آورید تا فریاد "سرور گرامی" را که نه در مخالفت با نظام سرمایه دار و فئودال پرور موجود، بلکه به سود آن بلند است، بشنوید.

فقر جانگناه، ارمغان جمهوری اسلامی... ●●●

بقیه از صفحه ۲
بخاطر اینکه مردم خواسته هایی دارند فقط برای فزنده ماندن، نه برای رفاه، نه برای آسایش، نه برای خوشگذرانی و ما خواسته هایشان را منتقل می کنیم... بالاخره هیچ فایده ای هم نمی دهد".
نماینده خرم آباد در همین رابطه بیان می دارد: "بیکاری، کم درآمدی، احتکار و گرانی، محدودیت تولید و منابع درآمد و سقوط ارزش ریال تعادل زندگی طبقه مستضعف و متوسط را بهم می ریزد... آنها در مواردی بعد از مدتی تحمل به وام گرفتن اقدام می کنند و بعد اثاثیه منزل را می فروشند".

است. برای من باورکردنی نبود که پیش از اجرای حکم اعدام دختران، کارگزاران رژیم به آنها تجاوز می کنند.

در چنین شرایطی وظیفه زنان هند است که با به راه انداختن کارزار همبستگی گسترده در سراسر هند و پیوند آن با همبستگی بین المللی، دولت ایران را وادار کنند تا از اعمال زشت و ضد انسانی خود دست بردارد.

در پایان مصاحبه، خانم مکرچی در بخشی از پیام خود خطاب به زنان ایران گفت:

"زنان ایران باید بدانند که ما مشکلات آنها را عمیقاً درک می کنیم و از مبارزاتشان برعلیه این رژیم ارتجاعی حمایت می کنیم. هر چند میان ما فاصله جغرافیایی وجود دارد، ولی قلبهای ما با شماست. برای ما مسلم است که هیچ گونه فشاری نمی تواند روح والای زنان ایران را منکوب کند. بدون تردید شما از کوران این مبارزه سخت و دشوار سربلند بیرون خواهید آمد."

کودک باشد یا پیر و جوان برای عبرت دیگران فی المجلس "راحت" کنیم، دیگران را به صلابه بکشیم و برای "حرف" کشیدن از آنان و "اعتراف" گرفتن و پرونده ساختن زیر شکنجه های کشنده خودمان. یا به اصطلاح مکتب ما "تعزیر" تا حد مرگ زجردهیم و چه بسا لازم باشد با شلاق و سیخ و ساطور و هر چه دردسترس باشد داروهایی را به آنها بخورائیم یا تزریق کنیم...

این را هم اضافه کنم که عده ای از این "مرتدان" را - "شاخص" های آنها را - باید به هر قیمت که باشد، ولو به حالت کور و اقلیج و زمینگیر و نیمه جان، فزنده نگاه داریم تا در موارد خاص و یا شیوه های خاص - در صحنه سازی ها و نمایش های تلویزیونی، مصاحبه های "رسمی"، جرم تراشی، سند سازی، "تاریخ" نگاری، ادای شهادت، تحقیر و تهدید، رودرویی با دیگران، شایعه سازی، "معامله" و هر گونه ترتیبات "اسلامی" دیگر - که خودتان بهتر می دانید - به موقع بهره برداری کنیم.

در اجرای تام و تمام این حکم الهی، از هیچ جنایتی نباید رویگردان شویم و از هیچ رسوایی و ننگ ابدی نباید به خود هراس راه دهیم و بدینسان ارزشهای "اسلامی" را دست کم بگیریم. چرا که مسئله، مسئله "اسلام فقهاتی" است و حکم، حکم "شرع".

منتظری خطاب به اعضای انجمن اسلامی کارخانجات:

"باید برادران و خواهران توجه داشته باشند افراد خلافکار در حقیقت مثل مریض هایی هستند که باید طبیب با ظرافت و نظافت خاصی با مریض برخورد داشته باشد تا بتواند مریض را معالجه کند. هیچگاه یک طبیب نمی تواند با دعوا و نزاع و درگیری یک مریض را علاج کند. بلکه سعی نمی کند با زبان خوش و لالی به شکلی که احیاناً خود مریض هم متوجه نشود داروهای لازم و معالجات را به او بخوراند..."

- و اما در مورد افراد درستکار که "گناه کبیره" آنها درستکاری و درست اندیشی است، دعوا و نزاع و درگیری تعارف است. اینان نه خلافکارند که توبه کنند و نه مریض اند که معالجه شوند. با آنها باید به منزله دشمنان "اسلام" و با قاطعیت "اسلامی" یعنی با نهایت درنده خوئی و شقاوت برخورد کنیم. آنان را باید، ولو دلیل و مدرک و بهانه ای هم نداشته باشیم، فی الفور - دست و پا بسته - به کشتارگاهها و شکنجه گاهها و سپاهالهای "اسلامی" خودمان ببریم و به دست سلاخهای تعلیم دیده مکتبی خودمان که به وظایف "شرعی" خود وقوف کامل دارند بسپاریم؛ وظیفه "شرعی" حکم می کند که عده ای از آنان را خواه زن و

مصاحبه خبرنگار نامه مردم با خانم گیتا مکرچی،

نماینده پارلمان هند



اخیراً خانم گیتا مکرچی، نماینده پارلمان هند (دوره ۷) از ایالت بنگال غربی، نویسنده و مترجم و شخصیت اجتماعی سرشناس هند در گفتگویی با خبرنگار "نامه مردم" به پرسشهای چندی پیرامون اوضاع و مبارزات زنان هند و سرکوب آزادیهای دموکراتیک توده های مردم و بویژه زنان ایران، پاسخ داد. اینک به نقل گوشه هایی از این گفتگو می پردازیم. خانم مکرچی در پاسخ به این پرسش که "نظرتان درباره سیاست ترور و اختناق حاکم بر ایران چیست؟" از جمله گفت:

"من برای محکوم کردن رهبران جمهوری اسلامی واژه ای به اندازه کافی گویا و رساپیدا نمی کنم. حکومت کنونی ایران، تمام اصول قانون اساسی مورد قبول خود را هم زیر پا گذارده و در نتیجه زنان را در کلیه عرصه ها از برابری محروم ساخته است."

خانم مکرچی در پاسخ به پرسش در باره دستگیری رهبران حزب توده ایران و از جمله مسئولین تشکیلات دموکراتیک زنان ایران و تحت شکنجه های وحشیانه قراردادن آنها، به تشریح اعتراض نمایندگان پارلمان هند می پردازد. او در این باره گفت:

"مایه بسی تأسف است که هزاران زن و مرد انقلابی ایران، از جمله اعضا و رهبران حزب توده ایران تحت شدیدترین و وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند و خطر جدی جان آنها را تهدید می کند. چندی پیش نمایندگان پارلمان هند اعتراض نامه ای، برای حکومت ایران فرستادیم. به اعتقاد من، اعمال فشار و اعتراضات گسترده جهانی می تواند جان این انقلابیون را از خطر نجات دهد.

ما می دانیم که نیروهای سرکوبگر رژیم حتی در مواردی زنان را بعنوان گروگان در بازداشت نگاه داشته اند تا از این راه همسران آنها را وادار به تسلیم سازند. این رفتار غیر انسانی

نمایندگان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در کنفرانس جهانی زن

بقیه از صفحه ۸
به همت حزب الله، اولین شده دانشگاه "اکتفا" کفند آبرویشان بیشتر می رود، آمدند پشت تریبون و کوشیدند منظره مطلوبی از زندانها ترسیم کنند. مسئول جلسه پرسید که آیا شما در زندانهایتان نوزادان را نیز همراه مادران نگاه می دارید؟ نماینده ج.ا. پاسخ داد ما در زندانها نوزاد نگهداری نمی کنیم ولی دختران از ۸ سال به بالا در زندان داریم. مسئول جلسه گفت این واقعیت جدیدی است که با آن آشنا می شویم. چطور می شود بچه هشت ساله را زندانی کرد؟ فرستاده ج.ا. گفت آخر آنها جنایتکار هستند.

این اعتراف مدش و غیر انسانی خشم حاضران را برانگیخت و باقیمانده آبروی جمهوری ولایت فقیه را نیز بریاداد. اگر حاضران می دانستند که همین دختران بیگناه را در خارج از زندان به عنوان صیغه و ازدواج موقت در اختیار آخوندهای مفتاد ساله و دیگر عیاشان پولدار قرار می دهند، اگر می دانستند که خودشان اگر با همان لباسی که در

به مامی نویسند

کشتی هنگامیکه تانکر آنها مورد اصابت موشکهای عراقی قرار می گیرد، می توانند با خسارت دریافتی کشتی مدرن تری را جایگزین تانکر از رده خارج شده بنمایند. در شرکت ملی نفت کش گفته می شود که میلیونها دلار رشوه توسط مدیران شرکت از صاحبان تانکرها و دلان آنها دریافت شده و برخی از مدیران شرکت با جیب پرپول به خارج گریخته اند.

بی اعتنائی رژیم به نیاز دهقانان

عدم یارندگی، محصولات کشاورزی را در استانهای خراسان، گیلان، مازندران و استان مرکزی در معرض نابودی قرار داده. زراعت دیم دهقانان خراسان از بین رفته و دهقانان عاجز از تغذیه دامهای خود، برای گذران زندگی دست به فروش دامها زده و برای یافتن کار عازم شهرها می شوند.

برنجزارهای شمال نیز وضع بهتری ندارند و پیش بینی می شود که محصول برنج امسال به نحو بی سابقه ای کاهش یابد. درخواست کمک دهقانان در همه جا با بی تفاوتی سردمداران رژیم ولایت فقیه روبرو شده است.

امام جمعه کلاش

امام جمعه "گراش" یکی از دهات بزرگ شهرستان لار از استان فارس، با همکاری چند نفر از عوامل محلی رژیم، زمینهای اوقاف و بخشی از زمینهای غیر اوقافی را به ۹۰ میلیون تومان فروختند ولی پته آنها روی آب افتاد و موضوع با عکس العمل شدید مردم روبرو گردید. امام جمعه ناگزیر شد شبانه به قم فرار کند و

جلسه حضور دارند به ایران "اسلامی" بروند هر یک بمثابه بی حجاب و بدحجاب مفتاد ضربه شلاق می خورند بهتر و بیشتر وضع وحشتناک زن در جمهوری اسلامی را درک می کردند.

ولی همان آشنایی مختصر نیز کافی بود تا چهره نفرت انگیز ارتجاع حاکم بر ایران را در انتظار نمایندگان زنان سراسر جهان نمایان کند.

یکی از تاکتیکهای "اسلامی" فرستادگان زلایت فقیه این بود که سر راه نمایندگان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران می ایستادند و انواع فحش های رکیکی را که ما از نوشتن آنها شرم داریم نثار می کردند. همین کار را (البته به زبان انگلیسی!) با زنانی انجام می دادند که با نمایندگان زنان دمکرات ایران صحبت می کردند، بطوریکه بسیاری از زنان خارجی این فرستادگان را دیوانه تصور می کردند.

در ناپروبیی سلاحهای سنگین، سران ج.ا. یعنی شلاق و تعزیر و تهدید و فشار و ارباب موثر نبود و مجبور بودند برای دفاع از خود استدلال کنند ولی چون چیزی نداشتند بگویند مجبور شدند ماهیت خود را آشکار سازند!

تحت حمایت آقایان علما قرار گیرد. این شخص قبلا نیز از ایرانیان ساکن حاشیه خلیج مقدار زیادی پول به عنوان کمک به جبهه دریافت کرده بود. حالا معلوم شده است که از آن همه پول مقدار ناچیزی را به حساب دولت ریخته و بقیه را به کیسه گشاد خود سرازیر کرده است.

راهزنان بازگشته اند

راهزنی و گردنه بندی دوباره در ایران رایج شده است. اخیرا در بین راه بستک (از توابع بندر لنگه) و لنگه، راهزنان یازده اتومبیل سواری و اتوبوس را غارت کردند. سپاه و ژاندارمری هر دو از قضیه باخبر شدند. سپاه بطور کلی دخالت نکرد و هلیکوپترهای گشت ژاندارمری تنها به گشتزدن در اطراف محل حادثه اکتفا کردند. دزدان با خیال راحت همه اموال مسافران را غارت کردند و آنها را لخت و عریان در بیابانهای جنوب رها ساختند. گفته می شود که راهزنان با زمینه چینی قبلی توسط مسئولین محلی می خواستند که پولهای بانک بستک را در حین انتقال به لنگه بدزدند.

مسئله بیکاری در کشورهای اروپای غربی

بقیه از صفحه ۸
نرمش ناکافی نیروی کار " وجود دارد؟ قطعاً باید گفت نه. نخست بدین دلیل که کاهش دستمزدها بدون تردید تقاضا برای مصرف را پایین می آورد بخشی از کالاهای مورد مصرف عموم بفروش نمی رسد. این از سوی خود بلافاصله روی تولید تأثیر می گذارد و منجر به بحرانهای تازه اقتصادی میشود.

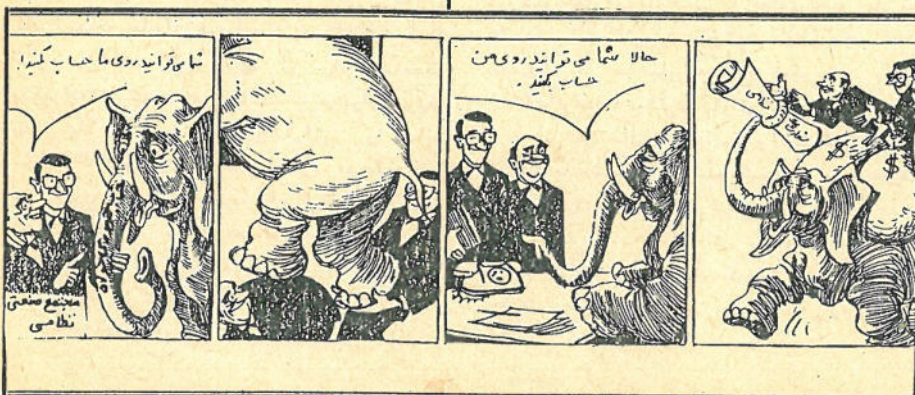
از این گذشته احتمال بسیار ناچیزی وجود دارد که سرمایه داران استخدام کارگران تازه را، گرچه با دستمزد کمتر، بر بکارگیری تکنیک و تکنولوژی مدرن و پرمحصول ترجیح می دهند. " نظریات نوینی" که با سروصدا تبلیغ می شود، در واقع تدابیر عملی مشخصی را برای برگردن پرتگاه عمیق موجود میان جستجوی محل های تازه کار و عرضه ناچیز آنها ارائه نمی دهد. البته دولتهای اروپای غربی خود بخوبی

می دانند که از این " برداشتهای نوین" انتظار معجزه ای نمی رود. اما " این تئوریهای علمی" به آنها امکان می دهد تا سیاست اقتصادی و اجتماعی فعالانه تری را به زبان منافع حیاتی زحمتکشان در پیش گیرند. با پنهان شدن در پشت پرده این فرمولهای " نوین" برای حل مسئله بیکاری، بورژوازی بزرگ می کوشد آرزوهای دیرین خود را پیرامون محدود کردن حقوق اتحادیه های کارگری و فلج کردن آنها به تحقق بپیوندد.

در همین روشنائی است که می توان اتهامات صاحبان صنایع در اروپای غربی علیه اتحادیه های کارگری را که گویا با حمایت از بیکاران و جلوگیری از جستجوی مشاغل تازه توسط آنان و دفاع از سطح کنونی دستمزدها، بازار کار را راکد گردانده اند درک کرد.

برداشت مربوط به نرمش ناکافی در بازار کار بیابانگر تلاش مکاتب محافظه کار در تئوری و عمل اقتصاد بورژوازی، در این راستاست که به هجوم بی بندوبار علیه طبقه کارگر در کشورهای اروپای غربی جنبه " علمی" بدهند.

اما این نظریات غیر علمی نه می تواند هدفهای واقعی سرمایه داران را از دید زحمتکشان پنهان کند و نه می تواند مسائل حاد اجتماعی در جامعه سرمایه داری را حل نماید.



نمایندگان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران در کنفرانس جهانی زن

غیر متعهد و صلحدوست برای حل مناقشات پشت میز مذاکره، جمهوری اسلامی بر سیاست ادامه جنگ همچنان پافشاری کرده و می‌کند. در اینجا حاضران با کف زندهای شورانگیز موضع زنان دمکرات ایران را تأیید کردند. فرستادگان غافلگیر شده جمهوری اسلامی که حرف حسابی برای گفتن نداشتند شروع کردند به دادن شعار (جنگ، جنگ تا پیروزی) و جلسه را ترک کردند. شرکت کنندگان عمل آنها را تقبیح کرده و می‌گفتند: "اینجا چادر صلح است نه چادر جنگ".

نمایندگان تشکیلات توضیح داد که با چنین شعار و سوء استفاده از باورهای مذهبی توده‌ها، بچه‌ها و نوجوانان را می‌فریبند و برای خنثی کردن میدانهای مین گذاری شده به جبهه می‌فرستند و وادارشان می‌کنند در این میدانها بدونند.

افتضاح بزرگتر فرستادگان حکومت چهل و جنایت در جلسه "زنان زندانی" بروز کرد.

نمایندگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در مورد وضع زندانیان زن در ایران، بازداشت زنان باردار و دارای کودکان شیر خوار، شکنجه زنان زندانی و تجاوز به عنف به دختران زندانی پیش از اعدام و فجایع هولناک دیگری که در زندانهای جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد حقایقی را بیان کرد. فرستادگان جمهوری اسلامی که دیگر فهمیده بودند اگر فقط به فریاد کشیدن و گلتن بقیه در صفحه ۷

علیه زنان صورت می‌گیرد (زیرا در این زمینه حرفی برای گفتن نداشتند) بلکه تنها برای توهین به زنان دیگر کشورها و عکس گرفتن پبیایی از نمایندگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران، بمنظور تکمیل پرونده های ساواجا و تدارک جنایات بعدی.

روز گشایش "چادر صلح" جمعیت در داخل چادر موج می‌زد. همه سازمانهای گوناگون صلحدوست و ترقیخواه که اعتقاد دارند صلح نیاز اصلی تمام بشریت در دنیای امروزی است و باید برای قطع جنگها و استقرار صلح تلاش کرد، آنجا گرد آمده بودند.

به عنوان نمایندگان زنان کشورهای که در

حال جنگ هستند نمایندگان اتحادیه زنان عراق و نمایندگان تشکیلات دمکراتیک زنان ایران نیز سخن گفتند. نمایندگان تشکیلات درباره زبانهای انسانی و اقتصادی بزرگی که حاصل سیاست جنگ طلبانه سران جمهوری اسلامی است توضیحات مفصلي داد. او گفت که پس از حمله عراق به ایران و اشغال شهرها و روستاها، مردم ما بیا خاستند و توانستند با از خود گذشتگی در خور تحسین متجاوزان را به مرزهای شناخته شده بین المللی عقب برانند. در این زمان راه برای برقراری صلح گشوده شد ولی علیرغم پیشنهادهای گوناگون از سوی سازمان ملل متحد و کشورهای

کنفرانس جهانی زن که توسط سازمان ملل متحد، به مناسبت پایان دهه زن در نایروبی پایتخت کنیا برگزار شد روز جمعه چهارم مرداد ماه (بیست و ششم ژوئیه) پس از حدود بیست روز کار با تصویب برنامه‌ای حاوی خواسته‌های اصلی زنان که باید تا سال ۲۰۰۰ میلادی تحقق یابد پایان یافت. در این کنفرانس نمایندگان رسمی و فرستادگان سازمانهای غیردولتی تقریباً تمام کشورهای عضو سازمان ملل متحد حضور داشتند. دو نماینده نیز از سوی تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در کنفرانس شرکت کرده بودند. اینان تا آنجا که امکاناتشان اجازه می‌داد در اکثر جلسات حاضر می‌شدند. علاوه بر بخش جزوه‌ای حاوی واقعیات مربوط به زندگی زنان در جمهوری اسلامی ایران، دیگر نشریات خود را نیز بخش می‌کردند و در مباحثات فعالانه شرکت می‌جستند. نمایندگان تشکیلات در افشاء ماهیت ضد انسانی و زن ستیز رژیم ارتجاعی ولایت فقیه بسیار موفق بودند و از سوی تمام سازمانهای عضو فدراسیون بین المللی زنان دمکرات مورد پشتیبانی قرار می‌گرفتند.

فرستادگان رسمی حاکمیت ج.ا. نخست ۵ زن و ۲ مرد و یک پسر بچه بودند ولی پس از جلسه‌ای که در "چادر صلح" برگزار شد ناگهان تعدادشان دو برابر شد. البته نه بمنظور شرکت در جلسات و دادن توضیح معقول پیرامون جنایاتی که در ایران

مسئله بیکاری در کشورهای اروپای غربی

"گوناگونی نیز ارائه می‌شود. مثلاً در انگلستان وزیر دارائی خواهان "کاهش معتدل دستمزد کار" شده است. ولی در حال بیشتر این "مدل‌های نوین اقتصادی" کاهش دستمزدهای واقعی را به میزان ۱۰ تا ۱۵ درصد توصیه می‌کنند که منجر به حل مسئله بیکاری خواهد گردید!

بعضی از کارشناسان اقتصادی غربی مشکلات مربوط به دستمزد اشتغال را با تحرک ناکافی نیروی کار، چه از نظر تغییر تخصص و چه از نظر تعویض محل کار مربوط می‌دانند. کسانی نیز هستند که دولتهای غربی را به دست‌ودل بازی بیش از اندازه بهنگام دادن کمکهای اجتماعی متهم می‌کنند که گویا مانع از کاهش دستمزد کار میشود. گروهی دیگر عقیده دارند که نرمش در بازار کار را می‌توان از راه افزایش کسر بودجه در کشورهای اروپای غربی با ابعادی نظیر ایالات متحده امریکا بهبود بخشید. بطوریکه اخذ مالیات از صاحبان صنایع کمتر شود و به استخدام تعداد بیشتری کارگر تشویق گردند.

در عین حال در فرانسه و انگلستان کوشش می‌شود بازنشتگی در سنین کمتر از حد متعارف معمول گردد و در آلمان غربی و فرانسه و هلند می‌خواهند تعداد ساعات کار را در هفته کم کنند. اما مستقل از تفاوت‌های گوناگون در ارائه راه حل‌ها، همه هواداران برداشت "نوین" به انعطاف ناکافی بازار کار در درجات مختلف

بدون تردید مسئله بیکاری همچنان بزرگترین معضل اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اروپای غربی است. در صفهای طولیل جلوی بازارهای کار ۲۰ میلیون نفر یعنی ۱۱/۵ درصد از جمعیت مستعد اشتغال انتظار می‌کشند. این امید نیز که با آغاز مرحله رونق، بیکاری کاهش خواهد یافت کاملاً بر باد رفته است. در چنین شرایطی است که اکثر دولتهای غربی مجبور شده اند قیافه نگرانی از سرنوشت "انسانهای زیادی" را بخود بگیرند "تا شاید جلوی گسترش وخامت اجتماعی سد شود و سرمایه داری بنماید یک نظام، در مسئله بیکاری بیکانه وانمود کرد. در زمانهای اخیر برخی از اقتصاددانان وابسته به بورژوازی، برداشت "نوینی" را در مورد مسئله بیکاری مطرح میکنند. طبق این برداشت، بیکاری ناشی از عدم وجود نرمش کافی در بازار کار است و حل آن هم وابسته به کاهش دستمزد کار می‌باشد. گویا تنها از راه ممانعت پیکیرانه از رشد دستمزد است که می‌توان سودها را بالا برد و سرمایه‌داران را به سرمایه گذاری‌های تازه تشویق کرد. بدیگر سخن توصیه‌های اصلی این نظریه را می‌توان به ترتیب زیر فرموله کرد: برون رفت از کساد اقتصادی به حساب طبقه کارگر، تأمین رشد سودها، تشویق تولید از طریق کم کردن درآمد های کارگران. در چارچوب این برداشت کم کم "راه حل‌های

اعتقاد دارند و کاهش دستمزدها و جنگ اندازی به سطح زندگی زحمتکشان را بعنوان راه حل پیشنهاد می‌کنند.

اینان می‌گویند اگر سطح دستمزدها پایین بیاید سرمایه‌داران امکان می‌یابند کالاهای خود را ارزانتر بفروشند و در نتیجه، تولید افزایش می‌یابد و آنان می‌توانند کارگران بیشتری را به کار بکارند. بعنوان محکم‌ترین "دلیل" در توجیه این نقطه نظرها یادآور می‌شوند که در ایالات متحده، بین سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ دستمزدهای واقعی پیوسته قوس نزولی داشته و همین امر موجب کاهش نرخ بیکاری از ۱۰/۸ درصد به ۷/۵ درصد شده است. از اینرو آنزمان فرارسیده است که کشورهای اروپای غربی نیز قرارداد کار دراز مدت را بنماید افزایش برای جلوگیری از افزایش احتمالی دستمزدها معمول کنند و همچنین زحمتکشان را تشویق نمایند که گرایش بیشتری به تغییر محل کار و پذیرفتن کارهای کم درآمدتر نشان بدهند.

آیا واقعا هسته معقولی در برداشت مربوط به "بقیه در صفحه ۷

NAMEH
MARDOM
No: 61

P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

AUGUST 1, 1985.